

(حکم معامله خون)

محمدرضا روزی خواه

(سطح دو حوزه خراسان)

(کارشناسی حقوق دانشگاه رضوی)

چکیده

بیشتر فقهای صدر اول که متعرض این بحث شده اند، فتوا به حرمت داد و ستد خون داده اند. اما پس از بررسی و نقد تفصیلی هریک از این ادله آنها، به نظر می رسد خرید و فروش خون در عصر حاضر با توجه به منافع فراوان جایز است. فقهای چهار مکتب فقهی اهل سنت نیز بر این باورند که خرید و فروش خون جایز نیست و ادله آنها روی هم رفته عبارت است از: الف) اجماع، ب) نجاست خون، د) عدم مالیت. برخی از فقهای اهل سنت از باب اضطرار و نجات جان انسان ها، داد و ستد خون را روا دانسته اند.

واژگان کلیدی: حکم - خون - خرید - فروش - بیع - معامله



مقدمه :

حکم داد و سند خون از گذشته های دور میان فقها مورد گفت وگو بوده است، ولیکن با نظر بر آثار حیاتی آن در عصر ما می توان گفت موضوعی جدید و جزو مسائل نوپیدای فقهی به شمار می آید. از سوی دیگر، این مسئله از مصادیق آشکار فرمایش حضرت امام خمینی ره مبنی بر «تأثیر دو عنصر زمان و مکان در اجتهاد» است.



خرید و فروش خون:

بسیاری از فقها، خرید و فروش و هر نوع استفاده‌ای از خون را حرام می‌دانند اینان، به کتاب و سنت تمسک جسته‌اند. این نظریه از آن‌جا ناشی شده که در گذشته دور، بویژه در میان اعراب، هیچ‌گونه استفاده‌ای از خون، به جز آشامیدن، رایج نبوده است. از این‌روی، نیازی ندیده‌اند که بر دامنه بحث، بیفزایند و به کندوکاو بپردازند و... به همین‌قدر که خون را در ردیف محرمات و نجاسات آورده‌اند، اکتفا کرده‌اند. در باره خون انسان، نه از حلیت سخنی دارند و نه از حرمت، زیرا، فایده و منفعت عقلایی و مفید و کارساز، برای خون انسان متصور نبوده است که فقها آن را به بحث بگذارند که آیا چنان استفاده‌ای از خون رواست، یا ناروا؟

از آن‌جا که امروز، منافع کثیری برای خون، بویژه خون انسان کشف شده، این بحث مطرح می‌شود که مفاد ادله حرمت استفاده چیست؟ آیا مطلق بهره‌برداری و داد و ستد حرام است، یا فقط آشامیدن آن و خرید و فروش در راستای منافع حرام؟ آیا ادله‌ای که فقها اقامه کرده‌اند بر حرمت خون، خون انسان را که امروزه، در پزشکی و معالجه بیماران از آن بهره می‌برند، در برمی‌گیرد؟ یا خیر منظور آنان فقط خون حیوان بوده و آن هم (اکل) و خرید و فروش در این راستا و دیگر راه‌های نامشروع. به هر حال، ما در این بحث، فرض را بر آن می‌گذاریم که فتوای فقها در حرمت خرید و فروش و هر نوع بهره‌وری از خون، طبق معیارهایی که آنان بر آن‌ها تکیه کرده‌اند، خون انسان را نیز در بر می‌گیرد...

ادله:

بله، فقهای اسلام، خرید و فروش خون و نیز هرگونه استفاده و کسب با آن را حرام و از مصادیق اکل مال به باطل می‌دانند و نوعاً بر حرمت مطلق خون تأکید کرده‌اند و فرقی بین (خوردن) و سایر منافعی که خون دارد، نگذاشته‌اند. آنان برای اثبات نظر خویش، به دلایلی تمسک جسته‌اند، که بررسی می‌کنیم:

کتاب:

می‌گویند: آیات بسیاری بر حرمت خون دلالت می‌کنند، از جمله:

{أَنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ وَ مَا أَهْلَ لَغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ، إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ} خداوند، تنها مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را نام غیر خدا به هنگام ذبح، بر آن گفته شود، بر شما حرام کرده است. اما هر کس در حال ضرورت و ناچاری و بدون تجاوز از حد و عدوان (از آن‌ها تناول کند) گناهی بر او نیست. به یقین خداوند آمرزگاری مهربان است.

این مضمون در آیه ۳ سوره مائده و آیه ۱۴۵ سوره انعام و آیه ۱۱۵ سوره نحل، با تفاوت‌هایی آمده است.

در دو آیه، به صورت حصر و با کلمه {أَنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُم} بیان شده است و در دو آیه، بدون (حصر).

ظاهر آیات عام است و هرگونه انتفاع و بهره‌گیری و خرید و فروش و تحصیل درآمد با آن را دربر می‌گیرد. ولی با توجه به جمله: {وَأَوْ دَمًا مَسْفُوحًا} روشن می‌شود که منظور از حرمت خون در این آیات، خونی است که در هنگام ذبح از حیوان بیرون می‌آید. بر این اساس، روشن می‌شود که خونی که پس از ذبح در رگ‌ها و عروق و در لابه لای گوشت‌های حیوان باقی می‌ماند، از شمول این حکم خارج است و حرمت شامل آن نمی‌شود.

روشن است که از این آیات، نمی‌توان حرمت مطلق استفاده کرد، زیرا از ظاهر آیات که حلیت و حرمت (اکل) را بیان می‌کنند. آمدن حرمت خون در ردیف حرمت استفاده از گوشت خوک و گوشت حیوانی که نام غیر خدا در هنگام ذبح آن برده شده، استثنای (مضطر) از این حکم، آیات قبل که به (اکل طیبات) توصیه می‌کنند و همچنین به آیات بعد، استفاده می‌شود که منظور،

حرمت خوردن و استفاده تغذیه‌ای از خون است، نه هرگونه استفاده و یا خرید و فروش آن. به عبارت دیگر، حرمت در این آیات منصرف به (اکل) است.

علاوه بر این، از منابع اسلامی استفاده می‌شود که خوردن خون در میان اعراب، پیش از اسلام، متداول بوده است و عرب‌های جاهلی، از خون، به شکل‌های گوناگون در تغذیه استفاده می‌کرده‌اند و آیات شریفه، در مقام نهی آنان از این کار هستند:

فاضل مقداد، در ذیل آیه شریفه (حرمت علیکم المیتة والدم) می‌نویسد:

أشار فی هذه الآية الى تحريم أشياء كانت الجاهلية لاتحرمها... وكانوا يأكلون أنواعاً من الأكل، منها العلهز، كما قال علی (ع) فی بعض كلامه تقریفاً للعرب، و بیاناً لنعمة الله علیهم بتحريم الخبائث بقوله: {تأكلون العلهز}

این آیه، اشاره دارد به تحریم چیزهایی که اعراب جاهلی، آن‌ها را حرام نمی‌دانستند و به گونه‌های مختلف، خون را می‌خوردند. از جمله: (علهز) همان طور که امیرالمؤمنین (ع) در یکی از سخنان، در مقام مذمت و سرزنش اعراب جاهلی و یادآوری نعمت‌های خداوند بر آنان، به وسیله تحریم پلیدی‌ها فرمود: علهز می‌خوردند.

(علهز) غذایی بوده که از خون و پشم شتر تهیه می‌شده است. بدین گونه که خون را با پشم در می‌آمیخته‌اند، آن گاه بریان می‌کرده‌اند و می‌خورده‌اند.

عبدالرحمان سیوطی، در ذیل این آیه، از قول ابی امامه، نقل می‌کند:

بعثنی رسول الله (ص) الى قومی، أَدْعُوهم الى الله ورسوله وأعرض علیهم شعائر الاسلام، فَأَتَيْتَهُم فَبَيْنَمَا نَحْنُ كَذَلِكِ اِذْ جَاءُوا بِقَصْعَةٍ دَمٍ، وَاجْتَمَعُوا عَلَيْهَا يَأْكُلُونَهَا، قَالُوا: هَلْ يَصْدُقُ، فَكُلْ، قُلْتُ: وَيَحْكُمُ أَمَّا أَتَيْتَكُمْ مِنْ عِنْدِ مَنْ يَحْرُمُ عَلَيْكُمْ هَذَا وَ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ، قَالُوا: وَ مَا ذَاكَ؟ قَالَ: فَتَلَوْتُ عَلَيْهِمْ هَذِهِ الْآيَةُ: حَرَّمَ عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ

پیامبر (ص) مرا به میان عشیره‌ام فرستاد تا آنان را به اسلام دعوت کنم. وقتی رفتم، کاسه‌ای پر از خون آوردند و همه به دور آن گرد آمدند و شروع به خوردن کردند. از من نیز خواستند: از آن غذا بخورم. گفتم: وای بر شما، من از جانب کسی می‌آیم که این غذا را بر شما حرام کرده و خداوند آیه‌ای بر او فرو فرستاده است. گفتند: آن آیه چیست؟ من این آیه را بر آنان تلاوت کردم. (حرمت علیکم المیتة والدم...)

یا:

كان اهل الجاهلية اذا جاع احدهم يأخذ شيئاً محدوداً من عظم ونحوه فيقصد به بعيره أو حيوانه فيجمع ما يخرج منه من الدم فيشربه

در دوران جاهلیت، هرگاه یکی از مردمان، گرسنه می‌شد، ابزار تیز و برنده‌ای از استخوان و مانند آن را به بدن شتر و یا حیوانی فرو می‌برد، خونی که خارج می‌شد، جمع می‌کرد و می‌نوشید.

امثال این تعابیر، درباره اعراب جاهلی، فراوان، وجود دارد. از این‌جا به دست می‌آید: حرمت در آیات مزبور، به (اکل) انصراف دارد.



خداوند، بدین وسیله می‌خواسته اعراب و دیگر مخاطبان را از این عمل ناپسند باز دارد. به عبارت دیگر، آیات، در مقام نهی مطلق استفاده از خون و نیز نهی از خرید و فروش آن نیستند. نمی‌توان به استناد این آیات، به حرمت هرگونه استفاده از خون و دادوستد و مبادله آن، فتوا داد.

سنت :

به دو دسته از روایات، برای حرمت خرید و فروش خون و نیز بهره‌وری از آن استدلال شده است:

دسته اول

عمومات و اطلاعاتی که به‌طور کلی، از خرید و فروش و بهره‌وری از (نجس) نهی می‌کنند مثل این حدیث: «إِنَّ اللَّهَ إِذَا حَرَّمَ شَيْئاً حَرَّمَ ثَمَنَهُ» روایت مرسله تحف العقول و برخی اطلاعات دیگر که در بخش قبلی به پاره‌ای از آن‌ها اشاره شد. بیشتر فقها، برای حرمت اعیان نجسه، از جمله: خون و خرید و فروش آن‌ها، به این روایات استدلال می‌کنند، که جای تأمل دارد زیرا: سند این روایات، ضعیف و روایت تحف العقول مرسله است و عبارت: (ان الله اذا حرم شيئاً حرم ثمنه) در منابع روایی شیعه وجود ندارد و در حدیث بودن آن تردید است. علاوه، دلالت آن‌ها بر حرمت جمیع انتفاعات و مطلق خرید و فروش نیز روشن نیست، زیرا احتمال دارد نهی از آن‌ها، به اعتبار حرمت (اکل) باشد. یا بهره‌گیری از آن‌ها، در اموری که طهارت شرط است، منع شده باشد. بنابراین، به استناد این عمومات و اطلاعات، نمی‌شود هرگونه استفاده و یا خرید و فروش خون را حرام دانست.

دسته دوم

روایاتی که در (ذبیحه)، چند چیز را حرام دانسته‌اند، از جمله خون را. مرحوم صاحب وسائل، روایات زیادی را به این مضمون آورده است که به دو نمونه از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

امام موسی بن جعفر می‌فرماید:

حرم من الشاة سبعة أشياء: الدم والخصيتان والقضيب والمثانة والغدد والطحال والمرارة
هفت چیز از گوسفند حرام است: خون، دنبان، پی، بول دان، سپرز، زهره دان و غدد.
یا نقل کرده‌اند:

مرّ امیرالمؤمنین (ع) بالقصابین فنهاهم عن بیع سبعة أشياء من الشاة، نهاهم عن بیع الدم والغدد وآذان الفئود والطحال والنخاع والخصی والقضیب...

حضرت امیر (ع) از (بازار) قصابان عبور می‌کرد، آنان را از خرید و فروش هفت چیز گوسفند نهی فرمود: خون، غدد، گوشه‌های دل، سپرز، نخاع، یا حرام مغز، دنبان و پی.

این مضمون در روایات دیگری نیز آمده است که سند و دلالت هیچ‌کدام بهتر از این روایات نیست. دو روایت فوق، از نظر سند اشکال دارند. سند اولی ضعیف و دومی مرفوعه است و نمی‌توان به آن اعتماد کرد.



گفته‌اند: حضرت امیر (ع) قصاب‌ها را از خرید و فروش چند چیز از بدن گوسفند، نهی فرمود، از جمله خون. این نشان می‌دهد که خرید و فروش خون، مطلقاً حرام است. این استدلال، تمام نیست، زیرا: از ظاهر روایت به دست می‌آید، فروختن خون نجسی که در هنگام ذبح، از حیوانات خارج می‌شود، حرام است، نه مطلق خون. بنابراین، دلیل، اخص از مدعاست. افزون بر این، با توجه به این که سپرز، دنبان و... در روایت آمده و آن‌ها مصرفی به جز خوردن، نداشته‌اند، برمی‌آید که خون نیز، از آن‌جا که در ردیف اشیاء فوق آمده، خوردن آن حرام است. روایات دیگری نیز در این باره داریم، از جمله:

لا یوکل من الشاة عشرة اشیاء: الفرث والدم...

امام خمینی در این باره می‌نویسد:

و یتضح مما ذکرنا ان النهی عن بیع سبعة اشیاء: منها الدم، یراد به البیع للأکل لتعارف اكله فی تلك الأمكنة والأزمنة كما شهد به الروایات.

از آنچه گفتیم روشن شد که نهی از خرید و فروش هفت چیز و از جمله خون (در روایت ابویحیی واسطی) منصرف به (خوردن) است، زیرا در آن سرزمین و در آن زمان {دوران جاهلیت} خوردن خون متداول بوده، چنانکه روایات نیز گواه بر آن است.

شیخ انصاری نیز از روایت همین معنی را استفاده کرده است:

وامّا مرفوعة الواسطی المتضمنة لمرور أمير المؤمنين (ع) بالقصابین ونهیهم عن بیع سبعة، بیع الدم والغدد... فالظاهر ارادة حرمة البیع للأكل، ولا شک فی تحریمه لما سیجئ من ان قصد المنفعة المحرمة فی المبیع موجب لحرمة البیع، بل بطلانه. امّا مرفوعة واسطی، بیانگر آن است که علی (ع) بر قصابان می‌گذشت و آنان را از فروش هفت چیز، خون، غدد و... باز داشت. ظاهراً منظور، حرمت بیع آن‌هاست، به قصد خوردن (نه مطلق بیع) و تردیدی نیست که چنین معامله‌ای حرام است، زیرا در آینده خواهیم گفت که قصد منفعت حرام، در معامله باعث حرمت، بلکه بطلان آن است.

شیخ در این سخن، تصریح می‌کند که از روایت مرفوعة واسطی، نمی‌شود هرگونه خرید و فروش خون را استفاده کرد، بلکه باتوجه به قرائن موجود، خوردن و خرید و فروش برای خوردن منع شده است. بنابراین، اگر منافع حلال و عقلایی برای آن باشد، طبعاً خرید و فروش آن و استفاده از آن مانعی نخواهد داشت

اجماع

از دلایلی که بر حرمت خرید و فروش خون اقامه کرده‌اند، اجماع است. بسیاری از فقیهان، بر حرمت خرید و فروش خون به (اجماع) و (عدم خلاف) استناد کرده‌اند.

علامه می‌نویسد:

بیع الدم و شراؤه، حرام اجماعاً لنجاسته و عدم الأنتفاع به.

خرید و فروش خون، به اجماع فقها، به خاطر نجاست و عدم امکان بهره‌گیری، حرام است.

نظیر این سخن را از فخر المحققین در شرح ارشاد و فاضل مقداد در تنقیح و دیگران هم نقل کرده‌اند. شیخ انصاری، ضمن نقل اجماع از علامه و فخر المحققین و فاضل مقداد، تصریح به عدم خلاف می‌کند:

یحرم المعاوضة علی الدم بلاخلاف، بل عن النهایة و حد لفخر الدین والتنقیح الاجماع علیه.

در حرمت خرید و فروش خون اختلافی نیست، بلکه در نهاییه علامه و شرح ارشاد فخر المحققین و تنقیح فاضل مقداد، ادعای اجماع بر آن شده است.

بر استدلال به اجماع، اشکال وارد است و نمی‌توان به آن تمسک جست، زیرا:

۱. بر فرض تحقق چنین اجماعی، روشن است که اجماع تبعدی کاشف از قول معصوم (ع) نیست، بلکه مدرکی و مدرک آن برخی از روایاتی است که برای حرمت بیع مطلق نجاسات، به آن‌ها استدلال می‌شود. اشاره کردیم که آن روایات، از نظر سند و از نظر دلالت، نارسایی دارند.

از آن‌جا که حرمت خون مذکور در آیات و روایات، انصراف به خوردن دارد، اجماعی که هم اقامه شده چنین است، انصراف به خوردن دارد.

۳. از این‌که علامه بعد از ادعای فخر المحققین و فاضل مقداد نیز، در اجماع بر حرمت خرید و فروش خون، به (نداشتن منفعت) تعلیل کرده‌اند، معلوم می‌شود، اجماع بر حرمت، در حقیقت در اثر نداشتن منفعت حلال است، زیرا در آن زمان، خون غیر از خوردن، هیچ منفعتی نداشته و خوردن هم، به نص آیات، حرام است. بنابراین در صورتی که خون منافع حلالی داشته باشد، طبعاً حرمت بیع آن موردی ندارد. اجماع، به (نداشتن منفعت) استناد کرده است.

آیه الله خویی اظهار می‌دارد:

وَأَمَّا الْأَجْمَاعُ فَهِيَ لَا يَخْتَصُّ بِالْمَقَامِ وَأَمَّا هُوَ الَّذِي ادَّعَى قِيَامَهُ عَلَى حُرْمَةِ مَطْلُوقِ بَيْعِ النِّجَسِ، وَمَدْرَكُهُ هِيَ الْوُجُوهُ الْمَذْكُورَةُ، لِحُرْمَةِ بَيْعِهِ مِنَ الرِّوَايَاتِ الْعَامَّةِ وَغَيْرِهَا، وَالْأَفْلَسُ هُنَا أَجْمَاعٌ تَعْبُدِي لِيُكْشَفَ عَنْ رَأْيِ الْمَعْصُومِ (ع).

و اما اجماع، اختصاصی به موضوع مورد بحث ما ندارد، بلکه همان اجماعی است که بر حرمت هرگونه خرید و فروش نجاسات، ادعا شده و مدرک آن هم، همان وجوهی است که بر حرمت خرید و فروش آن مورد استناد واقع شده است، مانند روایات عامه و غیر آن و گرنه اجماع تبعدی که کاشف از قول معصوم (ع) باشد، در این جا وجود ندارد

نداشتن مالیت

پیش از این، یادآور شدیم که از جمله شرایط صحت خرید و فروش، مالیت است. چیزی که هیچ فایده عقلایی و حلال ندارد، قابل خرید و فروش نیست. داد و ستد و کاسبی با آن (اکل مال به باطل) است. بنابراین، (خون) از آن‌جا که مالیت و منفعت حلال عقلایی ندارد، خرید و فروش آن حرام و از مصادیق (اکل مال به باطل) است. پیش از این اشاره کردیم که: علامه و بسیاری دیگر از فقها، در فتوای به تحریم خرید و فروش (خون) بر بی‌ارزشی و نداشتن مالیت، تکیه کرده‌اند.

امام خمینی در این باره می‌نویسد:

والظاهر من شتات کلمات الفقهاء أيضاً دوران حرمة التکسب بالنجاسات مدار عدم جواز الانتفاع.

از ظاهر عبارات پراکنده فقها بر می‌آید که حرام بودن کاسبی به وسیله نجاسات، دائر مدار جایز نبودن بهره‌گیری است.

بله، برای بسیاری از (نجاسات)، از جمله (خون) در ادوار گذشته، هیچ‌گونه منفعت حلال عقلایی نمی‌شناخته‌اند. از این روی، فقها، برای بحث از خرید و فروش و طرح فروع، وجهی نمی‌دیدند. تا جایی که شیخ انصاری، با آن ذهن موشکاف و جوال (رنگ آمیزی) را به عنوان بهره حلالی که می‌شود از خون بُرد، ذکر کرده است.

اما امروز، با پیشرفت دانش و استفاده‌های گونه‌گون از خون، به‌ویژه خون انسان و فرآورده‌های آن، این ماده، نقش و جایگاه ویژه و حیاتی یافته است.

امروزه، بدون بهره‌وری از خون و فرآورده‌های آن، گردونه عظیم درمان نمی‌چرخد و بسیاری از جراحی‌ها، ناممکن خواهد بود. از این‌رو، خرید و فروش آن و نیز کاسبی با آن، از مصادیق (اکل مال به باطل) نخواهد بود. چه ثمره و منفعتی بالاتر از این که جان مصدومی که بر اثر خون ریزی شدید، در حال مرگ است، با تزریق چند سی سی خون نجات می‌یابد و... اساساً، داشتن، یا نداشتن مالیت و منفعت عقلایی و حلال، بستگی به شرایط زمانی و مکانی دارد. چه بسا، چیزی در زمان یا مکانی، مالیت نداشته باشد، ولی در زمان و مکان دیگر مالیت داشته باشد.

انما یدور الجواز وعدمه مع وجود المنفعة المقصودة وعدمه، فعلى هذا نقول بعدم جواز بيع الدم النجس بلاخلاف فى زمان صدور تلك الروايات لعدم وجود المنفعة المحللة المقصودة. ونقول بجواز المعاوضة فى زماننا هذا، لوجود المنفعة المحللة المتعارفة المقصودة للعقلاء.

جایز بودن و نبودن خرید و فروش خون، بستگی به بود و نبود منفعت حلال عقلایی دارد. بنابراین، بر این باوریم: در زمان صدور روایات، خرید و فروش خون جایز نبوده، زیرا در آن زمان، منفعت حلالی نداشته است ولی اکنون جایز است، زیرا منافع حلال و عقلایی دارد.

به خاطر وجود همین منافع مهم و حیاتی است که فقهای معاصر و مراجع عظام تقلید، به حلیت خرید و فروش خون فتوا می‌دهند و دلایل حرمت بیع خون را مخدوش و نارسا می‌دانند.

فلا دليل على حرمة بيع الدم، سواء كان نجساً أم طاهراً، لاضعاً ولا تكليفاً.

دلیلی بر حرمت خرید و فروش خون، چه پاک و چه نجس، وجود ندارد، نه حرمت وضعی و نه حرمت تکلیفی.

امام خمینی در مورد جواز خرید و فروش خون می‌نویسد:

والأظهر فيه جواز الانتفاع به فى غير الأكل و جواز بيعه لذلك، فان ماوردت فيه من الآية والرواية لاتدل على حرمة الانتفاع مطلقاً... مع انه لم يكن فى تلك الأعصار للدم نفع غير الأكل، فالتحريم منصرف اليه...

ظاهرترین قول، جواز بهره‌وری از خون و خرید و فروش آن است در غیر خوردن. زیرا آنچه در روایات و آیه شریفه آمده است، دلالتی بر حرمت مطلق استفاده از خون ندارد... به علاوه، در آن زمان، برای خون، غیر از خوردن استفاده‌ای نبوده است. بنابراین، حرمت در آیه و روایات منصرف به همان (حرمت اکل) می‌باشد.

حرمت خون نجس

بسیاری از فقها، در فتوای به حرمت استفاده از خون و خرید و فروش آن، تفضیل بین خون پاک و نجس نداده‌اند و به‌طور مطلق، به حرمت آن نظر داده‌اند.

علامه می‌نویسد:

والدم كله نجس، فلا يصح بيعه وكذا ماله بنجس منه كدم غير ذى النفس السائلة، لأستخباثة...

خون، همه آن، نجس است و خرید و فروش آن صحیح نیست. و همین‌طور، خون‌های غیر نجس، مانند: خون حیوانی که خون جهنده ندارد، به خاطر خبائث.

در این سخن، علامه فرقی بین خون پاک و خون نجس نگذاشته و خرید و فروش همه را حرام شمرده است. اگر چه به باور او، ملاک در حرمت آن دو تفاوت دارد: در خون نجس (نجاست) و در خون پاک خبائث.

ولی به نظر شیخ انصاری (نجاست) موضوعیت ندارد. صرف نجاست نمی‌تواند مانع جواز خرید و فروش و استفاده از آن باشد. وی، در مسأله خرید و فروش شیر زن یهودی می‌نویسد:



فان نجاسته لاتمنع عن جواز المعاوضة عليها.

نجاست آن، مانع خرید و فروش نیست.

با این حال، شیخ در مسأله خرید و فروش خون، فرق می‌گذارد بین خون پاک و خون نجس:

وامّا الدم الطاهر، اذا فرضت له منفعة محلّلة كالصبيغ ولوقلنا بجواز ففى جواز بيعه وجهان، اقويهما الجواز. واما خون پاک، اگر برای آن فایده حلالی همچون استفاده در رنگ‌آمیزی بتوان فرض کرد، و چنین استفاده‌ای را مجاز بدانیم، در جایز بودن خرید و فروش آن، دو وجه است، وجه قوی‌تر، جواز آن است.

شیخ، در این عبارت، این وجه را تقویت می‌کند که خون پاک، بر خلاف خون نجس، دارای ارزش مبادله و مالیت است و امکان دارد در امور مباحی همچون رنگ‌آمیزی لباس و پارچه و اشیای دیگر مورد استفاده قرار گیرد. روشن است که این تفاوت، به اعتبار داشتن منفعت حلال و مالیت است نه عدم نجاست. از این روی، وی برای اثبات نظر خویش، بر مسأله (مالیت) وجود منافع حلال عقلایی تکیه کرده است و خون پاک را دارای منافعی می‌داند: لآنها عين طاهرة ينتفع بها منفعة محلّلة.

این که شیخ انصاری حکم به جواز بیع را منحصر به خون پاک کرده است، به گمان از آن‌جا نشأت می‌گیرد که برای خون نجس، هیچ‌گونه فایده عقلایی تصور نمی‌کرده است.

محقق ابروانی در تأیید نظر شیخ، ابراز می‌دارد:

والحق هو الصحة والجواز.... اما الصحة فلاّن الأغراض الشخصية كافية في صحة البيع و في خروجه عن اكل المال بالباطل.

حق، صحت خرید و فروش خون پاک است. زیرا اهداف شخصی در صحت آن کفایت می‌کند و همین مقدار منفعت، آن را از تحت (اکل مال به باطل) خارج می‌کند.

مانع اصلی در حرمت بیع و داد و ستد چنین کالاهایی، نداشتن (مالیت) و منفعت حلال است. از این روی، وقتی فایده‌ای حلال بر آن مترتب بود، دیگر خرید و فروش آن منعی ندارد و (اکل مال به باطل) نیست.

برخی به این سخن شیخ انصاری، خرده گرفته‌اند: اگر ملاک و معیار در صحت و یا عدم صحت بیع، داشتن و یا نداشتن مالیت و منفعت حلال و عقلایی می‌بود، چه فرقی می‌کند که خون نجس باشد یا پاک؟ اگر بتوان از خون، چه پاک و چه نجس، استفاده‌های حلال و عقلایی کرد، خرید و فروش آن جایز خواهد بود و گرنه، جایز نخواهد بود.

آیه الله خویی، در ردّ نظر شیخ، ابراز می‌دارد:

وفيه أنّه بعد اشتراكهما في حرمة الأكل، وجواز الانتفاع بهما منفعة محلّلة كالصبيغ والتسميد ونحوها، فلاوجه للتفكيك بينهما، واما النجاسة فقد عرفت مراراً أنّه لاموضوعية لها، فلا تكون فارقة بين الدم الطاهر والنجس، واما الأخبار السابقة فمضافاً الى ضعف سندها، أنّها شاملة لهما، فلو تمت لدلت على حرمة بيعهما معاً والأ فلا.

در این سخن اشکال است. وجهی ندارد بین خون پاک و نجس تفکیک کنیم، با این‌که هر دو مشترکند در حرمت خوردن و جواز بهره‌وری حلال، مثل کود و رنگ آمیزی.

وامّا نجاست، چنانکه بارها گفته‌ایم، موضوعیتی ندارد و صرف نجس بودن نمی‌تواند مانع جواز خرید و فروش باشد. روایات گذشته نیز، علاوه بر آن که از نظر سند ضعیف بودند، هم خون نجس را در برمی‌گیرند و هم خون پاک را. اگر دلالت آن‌ها تمام باشد، بر حرمت خرید و فروش دلالت می‌کنند و گرنه، نه.

خلاصه:



ملاک و معیار در جواز خرید و فروش خون، داشتن مالیت و منفعت حلال عقلایی است. خون، چه پاک و چه نجس، دارای فواید حلال و ارزش مبادله است. صرف (نجاست) خون موجب حرمت خرید و فروش آن نیست و اشکالی ندارد که چیزی نجس باشد، ولی خرید و فروش آن، حرام نباشد.

اگر ادله حرمت و از جمله روایات، تمام باشند، لازمه آن حرمت مطلق خون است و فرقی بین خون پاک و نجس نیست از مجموعه آنچه در این بخش، به اختصار آوردیم، می‌توان نتیجه گرفت: خرید و فروش خون، برای (خوردن) حرام است و در آن تردیدی نیست. تحریم مطلق بیع خون، ظاهراً، دلیلی ندارد؛ زیرا حرمت در آیات و روایات، با توجه به قرائن موجود، به اعتبار (خوردن) است، نه هر نوع استفاده و بهره‌وری از آن. اجماع نیز، بر فرض تحقق، مدرکی است و نمی‌تواند کارساز باشد. از ظاهر مرفوعه ابی یحیی واسطی بر می‌آید که خرید و فروش خون، به طور مطلق حرام است. سند این روایت، ضعیف است. افزون بر این، ناظر به خرید و فروش برای خوردن می‌باشد. مسأله (نداشتن مالیت)، نمی‌تواند علت حرمت خرید و فروش خون باشد، زیرا گرچه در آن زمان، غیر از خوردن منفعتی نداشته است، ولی اکنون دارای منافع حلال، مهم و عقلایی است.

اگر گفتیم خرید و فروش خون، مطلقاً حرام است، فرقی بین خون پاک و خون نجس نیست. در زمان ما که خون دارای منافع حلال بسیار است، ظاهراً خرید و فروش آن اشکالی ندارد و از مصادیق اکل مال به باطل نیست اقوال فقها:

درباره حکم داد و ستد خون، میان فقها نظرهای گوناگونی وجود دارد. این نظرها عبارت اند از:

۱. حرمت مطلق داد و ستد؛

۲. تفصیل میان خون نجس و پاک؛

۳. حرمت داد و ستد به تنهایی و جواز آن همراه با چیز دیگر؛

۴. جواز داد و ستد در مواردی که فایده حلال دارد. (از جمله کسانی که نظر چهارم را پذیرفته اند، امام خمینی ره است.)

ما برای نمونه تنها ادله گروه اول را می‌آوریم:

ادله قائلان به حرمت :

۱. اجماع

۲. خون مالیت ندارد. (چیزی که فاقد منفعت حلال و ارزش مبادله است، بنابر نظر مشهور، مالیت ندارد و خرید و فروش آن صحیح نیست. مثلاً مثل آسمان که مالیت ندارد و نمی‌توان آن را خرید و فروش کرد خون هم مالیت ندارد و گرفتن بها در برابر آن، اکل مال به باطل است و این حرام می‌باشد. توضیح مالیت خون به منافع و فوائد حلال آن بستگی دارد.)



۳. خون نجس است. (در میان فقها شکی در نجاست خون وجود ندارد و در مستند بر آن ادعای اجماع شده است. بنابراین، تمامی ادله دال بر حرمت داد و ستد اعیان نجسه، این مورد را نیز شامل می‌شود)
۴. اصاله الفساد (توضیح این است که در هر موردی شک کنیم خرید و فروش صحیح است یا نه، اصل فساد آن است)
۵. اعانت بر گناه (یکی از ادله حرمت داد و ستد خون این است که این عمل کمک به گناه و بنابراین حرام است).
۶. آیات

۷. روایات (روایاتی که دلالت بر حرمت داد و ستد خون دارند دو دسته‌اند: یک دسته از داد و ستد نجس و یک دسته از داد و ستد خون نهی کرده‌اند).

بر تمام این دلایل نقد و بررسیهایی وارد است که البته در این مجال نمی‌گنجد اما خلاصه سخن این است که با توجه به تحقیقات روشن گردید هیچ یک از هفت دلیلی که برای اثبات حرمت داد و ستد خون اقامه شده است، درست نیست و هریک به اشکالات فراوانی مبتلاست.

و البته در مقابل گروه قائلان به حرمت بسیاری از فقها با اینکه داد و ستد خون نجس را حرام می‌دانند، داد و ستد خون پاک را جایز می‌شمارند.

اهدای خون :

مقایسه اجمالی آرای فقهای شیعه و سنی

در مقایسه اجمالی میان آرای فقهای شیعه و سنی نکاتی مورد توجه است:

۱. بیشتر فقهای شیعه و سنی، خرید و فروش خون را جایز نمی‌دانند، تا آنجا که می‌توان گفت در اصل مسئله، اتفاق و اجماع فقهای فریقین وجود دارد. روش استدلال هر یک از فریقین از جهاتی با یکدیگر متفاوت است.
۲. فقهای اهل سنت تنها از راه اجماع، نجس‌العین بودن و مالیت نداشتن پیش رفته‌اند و اما فقهای شیعه، افزون بر آن سه عنوان، از طریق اصاله الفساد، اعانه بر اثم، اکل مال به باطل، عدم قابلیت انتفاع و آیات و روایات استدلال کرده‌اند. پر واضح است که ادله فقهای شیعه از نظر کیفیت و محتوا از عمق و گستره بیشتری برخوردار است.
۳. در میان فقهای اهل سنت، تنها راه حل برای جواز فروش، ضرورت و نجات جان انسان است، ولی برخی از فقهای شیعه افزون بر این راه حل، اصل حرمت خرید و فروش را مورد اشکال قرار داده و قائل به جواز شده‌اند؛ که از جمله می‌توان به نظر حضرت امام اشاره کرد.

و چند پرسش و پاسخ در این رابطه:

سوال: آیا فروش خون به کسی که از آن استفاده می‌کند، جایز است؟

پاسخ آیه الله خامنه ای دام ظلّه:

فروش خون اگر به قصد عقلایی مشروع باشد، اشکال ندارد.

سوال: خرید خون و فرآورده های آن از غیر مسلمانان چه حکمی دارد؟ در صورتی که امکان خرید خون از کفار باشد آیا

همچون خرید اجسادشان جهت تشریح، اولویت دارد؟

پاسخ آیه الله مکارم شیرازی دام ظلّه:



از هر دو گروه می‌توان خون را خرید.

سوال: فروش خون و فرآورده های خونی که در کشورهای اسلامی تهیه شده، به غیر مسلمانان چه حکمی دارد؟ آیا بین کفار حربی و غیر حربی تفاوتی هست؟

پاسخ آیه الله مکارم شیرازی دام ظلّه:

به غیر کفار حربی می‌توان فروخت، مشروط بر اینکه نیاز مسلمانان از طریق دیگر حل شود.

سوال: با توجه به اینکه خرید و فروش چیزهای نجس از جمله خون حرام است، چرا سازمان انتقال خون به خرید و فروش این فرآورده مبادرت می‌کند؟

پاسخ آیه الله مکارم شیرازی دام ظلّه:

خرید و فروش اشیای نجس در صورتی حرام است که فایده حلالی نداشته باشد، و در حال حاضر که خون برای نجات جان بیماران مصرف می‌شود و دارای منافع حلالی است، خرید و فروش آن مانعی ندارد.

سوال: فروش خون چه حکمی دارد؟

آیه الله خامنه ای دام ظلّه:

با فرض اینکه انتقال خون دارای منفعت عقلایی است، فروش آن مانعی ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری:

ملاک و معیار در جواز خرید و فروش خون، داشتن مالیت و منفعت حلال عقلایی است.

-خون، چه پاک و چه نجس، دارای فواید حلال و ارزش مبادله است.

- صرف (نجاست) خون موجب حرمت خرید و فروش آن نیست و اشکالی ندارد که چیزی نجس باشد، ولی خرید و فروش آن، حرام نباشد.

- خرید و فروش خون، برای (خوردن) حرام است و در آن تردیدی نیست.

-تحریم مطلق بیع (خرید و فروش) خون، ظاهراً، دلیلی ندارد؛ زیرا حرمت در آیات و روایات، با توجه به قرائن موجود، به اعتبار (خوردن) است، نه هر نوع استفاده و بهره‌وری از آن. اجماع نیز، بر فرض تحقق، مدرکی است و نمی‌تواند کارساز باشد.

-از ظاهر مرفوعه ابی یحیی واسطی بر می‌آید که خریدوفروش خون، به طور مطلق حرام است. سند این روایت، ضعیف است. افزون بر این، ناظر به خریدوفروش برای خوردن می‌باشد.

- مسأله (نداشتن مالیت)، نمی‌تواند علت حرمت خریدوفروش خون باشد، زیرا گرچه در آن زمان، غیر از خوردن منفعتی نداشته است، ولی اکنون دارای منافع حلال، مهم و عقلایی است.

-اگر گفتیم خرید و فروش خون، مطلقاً حرام است، فرقی بین خون پاک و خون نجس نیست.

-در زمان ما که خون دارای منافع حلال بسیار است، ظاهراً خریدوفروش آن اشکالی ندارد و از مصادیق اکل مال به باطل نیست.



منابع :

- ١- قرآن کریم.
- ٢- امام خمینی، مکاسب محرمة، اسماعیلیان، قم.
- ٣- صابونی محمدعلی، روائع البیان فی تفسیر آیات الاحکام، مؤسسه مناهل العرفان، بیروت.
- ٤- مرتضوی لنگرودی، سید محمد مهدی، شرح عبدالصاحب علی المکاسب، مکتبه المفید، قم.
- ٥- فاضل مقداد، کنز العرفان.
- ٦- فاضل مقداد، التنقیح الرائع.
- ٧- علم الهدی محمد بن محسن بن مرتضی الکاشانی، معادن الحکمه، انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین، قم.
- ٨- ابن اثیر، نهایه، المکتبه الاسلامیه.
- ٩- طریحی فخرالدین، مجمع البحرین، مکتبه المرتضویه، تهران.
- ١٠- سیوطی عبدالرحمان الدر المثنور، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم.
- ١١- دکتر یوسف قرضاوی، الحلال والحرام فی الاسلام، مکتبه وهبه، مصر.
- ١٢- طبرسی امین مجمع البیان، دار مکتبه الحیاء، بیروت.
- ١٣- علامه طباطبائی، المیزان، مؤسسه الاعلمی، بیروت.
- ١٤- محمد رشید رضا المنار، دار المعرفه، بیروت.
- ١٥- نمونه جمعی از نویسندگان، زیر نظر مکارم شیرازی، دار الکتب الاسلامیه، تهران.
- ١٦- مکاسب، شیخ انصاری.
- ١٧- شیخ طوسی، خلاف، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم.
- ١٨- مولی احمد نراقی، مستند الشیعه.
- ١٩- شیخ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، دار احیاء التراث العربی.
- ٢٠- سید محمد جواد حسینی عاملی، مفتاح الکرامه.
- ٢١- سید محمد طباطبائی، المناهل.
- ٢٢- محدث نوری، مستدرک الوسائل.
- ٢٣- ابن ابی جمهور احسائی، غوالی اللثالی.
- ٢٤- احمد حنبل، مسند.
- ٢٥- ابن ماجه، سنن، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، دار احیاء التراث العربی بیروت.



- ٢٦- حاکم نیشابوری، المستدرک علی صحیحین فی الحدیث، دارالفکر، بیروت.
- ٢٧- ابی داود، سنن، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دار احیاء السنۃ النبویۃ.
- ٢٨- دار قطنی، سنن.
- ٢٩- ابن شعبه حرانی، تحف العقول.
- ٣٠- مصباح الفقاهه، تقریر درسهای آیۃ الله خویی، مقرر: محمد علی توحیدی، المطبعۃ الحیدریه، نجف.
- ٣١- شیخ حر عاملی، وسایل الشیعۃ، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- ٣٢- شیخ جواد تبریزی، ارشاد الطالب فی مکاسب المحرمه.
- ٣٣- علامه حلی، نہایۃ الاحکام، اسماعیلیان، قم.
- ٣٤- علامه حلی، تذکرۃ الفقہا.
- ٣٥- حسین مدرسی طباطبائی مقدمه ای بر فقہ شیعہ، ترجمہ محمد آصف فکرت، آستان قدس رضوی.
- ٣٦- حاشیہ محقق ایروانی بر مکاسب.
- ٣٧- محمد آصف محسنی، حدود الشریعۃ.